

هنر محیطی ایران، درخشش جهانی با وجود موانع فراوان مصاحبه با خانم فرشته عالم‌شاه

شیرین رستمی^۱

خانم فرشته عالم‌شاه، هنرمند محیطی و ویدئو آرتیست ایرانی، فعالیت هنری خود را همزمان با تحصیل در رشته کامپیوتر آغاز کرد. به علت آشنایی با هنر خطاطی، استفاده از خط در آثارشان نمود خاصی پیدا کرد. سال ۱۳۹۰ نقطه عطفی در فعالیت هنری ایشان محسوب می‌گردد. در این سال ایشان جریان ویدئو آرتیست را راه انداختند تا اتحادی گردد میان هنرمندان این حوزه. کودکان جنگ، طبیعت و جایگاه زن در طبیعت، سه موضوع اصلی است که همواره از دغدغه‌های ایشان محسوب می‌گردد. خانم عالم‌شاه با بیان دیدگاه خود نسبت به جایگاه هنر محیطی در ایران، به این نکته اشاره کردند که آینده هنر محیطی در ایران بسته به تغییر جریانات فکری و حمایت بیشتر از هنرمندان این عرصه می‌باشد. از همراهی خانم عالم‌شاه در پذیرش انجام این

مصاحبه کمال تشکر را داریم.
●●● در ابتدا از ایشان خواستیم از سابقه فعالیت‌های هنری و تجربیات خود با ما سخن بگویند و از شرح دغدغه‌های ذهنی که ایشان را تا به این جای مسیر کشیده است سوال نمودیم.
 خانم فرشته عالم‌شاه در ابتدای سخن از خود بیوگرافی را شرح دادند و سخنان خود را اینگونه آغاز کردند:
 من در خانواده‌ای ادبی متولد شدم و رشد کردم و در همان ابتدای کودکی با نقاشی و ادبیات و موسیقی آشنا شدم. و افراد خانواده هر کدام در یک رشته هنری فعالیت داشتند. در دبیرستان رشته ریاضی خواندم و در دانشگاه وارد رشته کامپیوتر شدم ولی در کنار همه این‌ها در زمینه‌های هنری فعالیت داشتم. در سال ۷۹ با همسر (ابراهیم صادقی) ازدواج کردم. ایشون خطاط هستند و بعدها به همین سبب، خط در آثار من نمود خاصی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ هنر دانشگاه تهران. پست الکترونیک: Shirinrostami74945@gmail.com

پیدا کرد. آشنایی من با هنر جدید توسط اولین نمایشگاه هنر مفهومی توسط انجمن نقاشان اصفهان بود. در ابتدا به سمت هنر ویدئو آرت گرایش داشتم و رشته سینما را در این باب خواندم. از سال ۱۳۹۰ جریان ویدئو آرتیست را به راه انداختم تا اتحادی میان هنرمندان برخلاف نامهربانی‌ها نسبت به هنر ویدئو آرت گردد. در سال ۹۴ پایگاه هنری آلموند را در جنوب تالاب گاوخونی به راه انداختم. فعالیت در زمینه تدریس برای من جایش را به زمینه‌های اجرایی داد. گرایش من به طبیعت بسیار زیاد است و قسمتی از دغدغه‌های فکری من را شامل می‌گردد و از سوی دیگر کودکان جنگ از دغدغه‌های من است. بنابر دوران کودکی که شاهد جنگ در شهر دزفول بوده‌ام و برای همیشه، درگیری‌هایی ذهنی برای من شکل گرفت که هرگز فراموش نکرده‌ام و همیشه در پی بیان صلح بودم. و مسأله زنان و جایگاه زن در طبیعت از دغدغه‌های من هستند. سه موضوعی هستند که به طور پیوسته به آنها پرداخته‌ام.

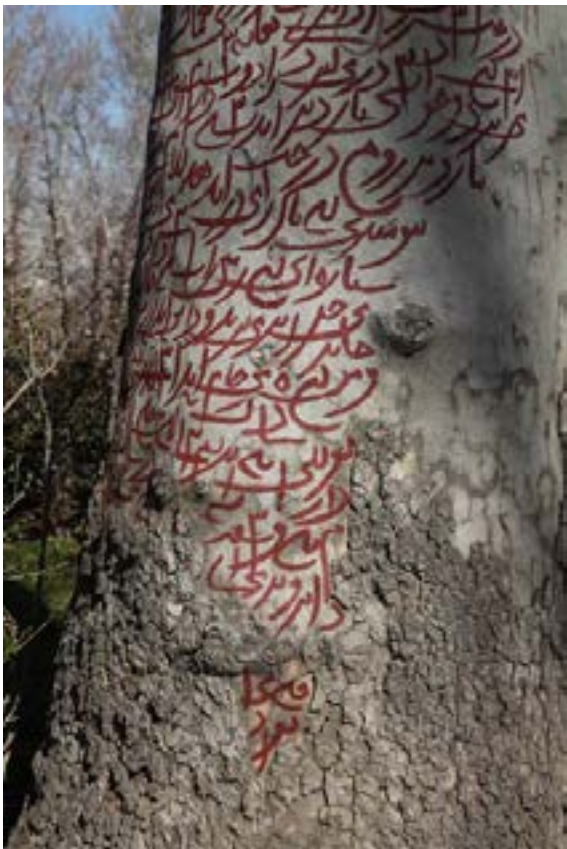
۱... چه تاثیراتی را از جریان هنری غرب و تفکرات هنرمندان غرب گرفتید؟

پاسخ این سوال را مرتبط به شرایط و تحولات کشور در دهه ۵۰ دانسته‌اند که مراحل انقلاب و جنگ و سازندگی را طی کرده است. و تمامی مراحل ذکر شده باعث جدایی و فاصله مابین روند رشد و تکامل هنر غرب و جامعه ما گردیده است. و همینطور بیان کردند با توجه به پایه قوی فرهنگی و پیشینه ایران این خلا و

جدایی به سرعت پر شده است. ایشان این موضوع را بیشتر شرح دادند:

به گونه‌ای نوع نگرش به طبیعت و زندگی فرهنگی ما محرکه پویایی برای جبران تمام این فاصله‌هاست. از سال ۱۳۸۰ جریانی که هنر محیطی در بستر آن قرار گرفت جریانی از پیش آماده و بستری محیا بوده است که توسط هنرمندان تحصیل کرده در خارج از کشور آماده شده است، در واقع نوعی مسیر از پیش تعیین شده است.

تفکرات هنرمندان غربی با توجه به جریانات و مسیر شکل‌گیری در ایران و فعالیت‌های دکتر نادعلیان شکل گرفت و با توجه به اطلاعاتی که از مقالات به دست می‌آوردیم هنرمندان غربی



شکل ۱: فرشته عالم‌شاه، درخت‌نگاری، تهران، پارک لاله، ۱۳۹۰



شکل ۲: فرشته عالم‌شاه، روح درخت.

تبیین است؟

خانم فرشته عالم‌شاه این سوال را یکی از دغدغه‌های شخصی خود برشمردند و اینگونه بحث خود را ادامه دادند: ما هنر را خلق می‌کنیم به دلیل انتقال پیامی به بیننده و مخاطب که می‌توان شامل بحث‌های زیبایی‌شناسی و غیره باشد.

وی بیان کرد یکی از دغدغه‌های من در سطح ملی و بین‌المللی این بوده است تا مفاهیم را با مخاطب به اشتراک بگذارم من جمله این موضوعات: جنگ و کودکان جنگ، زنان و حقوق زنان و اتفاقات به‌روز جامعه، بوده است.

من اگر فعالیتی و گفتاری را به وسیله هنر به اطرافیان منتقل کنم به منظور ثبت مفهوم برای مخاطب عام بوده است. و این موضوع در هر

بیشتر بر روی جریان و چگونگی رخدادها و تعاریف این هنر و واسطه و انتقال آنها بوده است. وی افزود با توجه به سابقه شخصی خودشان می‌توان به تفاوت جریان فکری هنرمندان غربی و ایرانی پی‌برد و تفکرات آسیایی و شرقی در این هنر نمود بیشتری پیدا می‌کند. در هر شکل به دلیل طی کردن ابتدایی مسیر توسط هنرمندان غربی موجب گردید سایه افکار آنها بر آثار ایرانی بیافتد. منتهای مطلب، تفاوت فکری و فرهنگی آثار به سادگی قابل دیدن است.

●●● (۲) تاثیر مستقیم بر عموم مردم تا چه میزان در مسیر فعالیت‌های هنری شما حائز اهمیت است؟ و حوزه‌های این اهمیت چگونه قابل

مسیر هنری غالب بوده است. و بخشی از آن جدا از بزرگ‌نمایی، نوعی همدردی و شریک غم درد جامعه و مخاطبان عام بوده است (تصویر ۱). برخلاف کشورهای بزرگ دنیا که آموزش می‌بینند که از گالری‌ها دیدن کنند و از بهترین کیفیت‌های آثار در آموزش استفاده کنند در ایران فاصله بسیار عمیقی بین مردم و گالری‌ها برقرار است و دغدغه شخصی من این بوده که این فاصله از میان برود و اگر ورود به گالری برای مخاطب سخت است قسمتی از اثر را به میان مردم ببرم.

●● به نظر شما جریان وارد کردن هنر محیطی از غرب به ایران چقدر موفق بوده و در چه حوزه‌هایی ضعف مشاهده می‌گردد؟

با توجه به هنرمندانی که می‌توان ادعا کرد زیر شاخه این هنر محیطی هستند و در این زمینه و زمینه‌های مرتبط فعالیت دارند بسیار اندک هستند موفقیت‌های بسیار خوبی در سطح جهانی کسب کرده اند و فعالیت‌های خلاقانه و جذابی را انجام می‌دهند.

آثار تولیدی هنرمندان ایرانی به واسطه عقاید بنیادی و فکری و فرهنگی به شیوه‌ای ایرانیزه می‌گردد و مسیری مفهومی برای بیان اندیشه‌ها را طی می‌کند و صرفاً بخش زیبایی‌شناسی مطرح نمی‌گردد.

هنر محیطی ایران با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند، من جمله عدم حمایت سرمایه و سرمایه‌گذاری و فشار مالی بر هنرمند که

عموما در ۹۹ درصد موارد هنرمند تمام بسترهای مالی را فراهم می‌کند و عدم الویت هنر برای مردم و حکومت و مشقت بالای هنر محیطی من جمله شرایط جوی و آب و هوایی و همچنین مقایسه شرایط موجود با کشورهای اروپایی که بهترین و به‌روزترین امکانات را در اختیار دارند در ایران هنرمندان با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند. یکی دیگر از مشکلات آن است که توانایی در چاپ کتاب و ثبت آثارشان ندارند. این در حالی است که ناشرین کتاب از دید اقتصادی تمایل به چاپ کتاب دارند و این‌گونه کتب چندان مورد توجه آنها نمی‌باشد. این در حالی است که آثار هنرمندان غربی به سادگی چاپ و ضبط می‌گردد و اطلاعاتشان ثبت می‌شود (تصویر ۲).

تفاوت بزرگی که در آثار هنرمندان ایرانی و غربی دیده می‌شود، تکنیک است و هنرمندان ایرانی دغدغه‌های متفاوتی دارد و به ناچار مجبور است، از رایج‌ترین و ساده‌ترین شیوه‌های انتقال آثار به مخاطب استفاده کند.

در ایران با توجه به مشکلات شدید محیط‌زیستی بیشتر گرایش هنرمندان و تمایلاتشان به جلب توجه مردم به حفاظت از محیط‌زیست است و صرفاً نمی‌شود بحث زیبایی‌شناسی مطرح گردد و دغدغه خاطر محیط‌زیست اجازه طی کردن این مسیر را نمی‌دهد

●● (۳) از نظر شما ترسیم هنر محیطی در ایران آینده چگونه است؟

به طور کلی جریان هنر یا فرهنگ و خیلی از تصمیمات کشور که نیاز به تصمیم گیری بخش کلان را دارد و وابسته است نمیتوان پیش بینی کرد. همانطور که در سالهای اخیر این جریان ها بیشتر با قدرت بخش خصوصی و هنرمندان و دغدغه های هنرمندان پیشرفته و اگر باز هم حمایتی صورت نگیرد باز هم همین مسیر را باید طی کرد بلکه جریان فکری سیاسی کشور تغییر کند و هنر بیشتر مورد توجه قرار گیرد اگر قرار بود هنر محیطی مسیر عادی خود را طی کند تا به امروز جایگاه دیگری داشت و تا به امروز تنها با عشق و علاقه و پشت کار هنرمندان به این مرحله رسیده است و نه چیز دیگری و در نهایت من نه خوش بین هستم و نه غمگین.

پی نوشت

در پی صحبت هایی که با سرکار خانم فرشته عالم شاه داشتیم و فعالیت های وی که بستر زمینه ای آنها از کودکی و خانواده وی نشأت می گیرد؛ دریافتیم که هنرمندان این رشته بسیار نامهربانی ها دیده اند. این در صورتی است که پیغامی را که هنر به مخاطب می رساند چنان بر جان دل او می نشیند که همچون لوحی در خاطرش می ماند. هنرهای محیطی که حافظه تصویری بیننده را به چالش می کشند قدرتی بسیار برای پیام های بزرگ انسانی دارد. هنر و هنرمندان در این سال ها، بسیار در پستوها به چالش کشیده شده اند و روزگارانی سخت را پشت سر گذاشته اند. ندیده شدن و نادیده گرفتن، هنرمندان را بیش از پیش به چالش برای خلق کردن می کشاند. ای کاش می توانستیم دست مهتری بر دل هنرمندان این مرز و بوم بکشیم تا همگی را هم درد بدانیم. هنرهایی مانند هنرهای محیطی که نه می توان آنها را خرید و زیر بغل گذاشت و به خانه برد و نه می توان آنها را جز عکس و تصوی به ثبت رساند؛ طفلانی هستند نوپا که نوازش های از سر عشق و محبت ما را طلب می کنند. ای کاش زودتر به داد درد دل این هنرمندان روان به سان جویبار و استوار همچو کوه برسیم.

